

تصویر زنان قدرتمند معاصر

تأثیر عمیق



«**ساسان گلر**»

«مراقب افکار‌تان باشید، چون به کلمات تبدیل می‌شوند. مراقب کلمات باشید، چون به عمل بدل می‌شوند.

مراقب اعمال‌تان باشید، چون برایتان عادت می‌شوند. مراقب عادت‌هایتان باشید، چون شخصیت شما را می‌سازند.

و مراقب شخصیت‌تان باشید، چون همان سرنوشت شما می‌شود. هرچه فکر می‌کنیم، همان می‌شویم.

پدرم همیشه این را می‌گفت و فکر می‌کنم من خوب نتیجه‌گرفتم.»

جمله‌هایی که مریل استرپ در نقش مارگارت تاجر، نخست‌وزیر اسبق انگلستان، در فیلم «بانوی آه‌نین» بر زبان می‌آورد، شاید واقعا متعلق به این شخصیت یا پدر خواربارفروش او نبوده؛ شاید آن‌طور که می‌گویند نقل‌قول از مهاتما گاندی یا منتسب به یک هفت‌تیرکش متفکر تگزاسی قرن نوزدهمی موسوم به فرانک آوتلا باشد، ولی به‌رحال مهم این است که جمله‌ها، مرحله‌به‌مرحله روند شکل‌گیری یک شخصیت قدرتمند، در اینجا یک زن قدرتمند، را نشان می‌دهد. سازندگان فیلم برای تأکید بر این ویژگی، لقب این زن مقتدر عالم سیاست دهه ۱۹۸۰ را عنوان فیلم قرار داده‌اند و برای تثبیت و تقویت هرچه‌بیشتر این صفت و جاانداختن کامل آن، نقش او را به بازیگر زنی

داده‌اند که متخصص ایفای نقش

زنان مقتدر در سینماست.

سینمای جهان در این‌روزها به عرصه‌ای برای قدرت‌نمایی زنان تبدیل شده است. البته در نگاه اول ممکن است‌طور دیگری به نظر برسد؛ مخصوصا وقتی به آمار و ارقام و ادعاها و ایده‌آل‌هایی که هرسال و در هر موقعیتی از سوی گروه‌هایی مثل فمینیست‌ها مطرح می‌شود، توجه می‌کنیم، به جوجه قدرتمند زنانه به‌بالا عدد و رقم درست می‌نمایید؛ ظاهرا هنوز نقش و سهم زنان آن‌طور که

باید و شاید در سینما جدی گرفته نشده است؛ تعداد بانوان فیلم‌ساز یا تهیه‌کننده به اندازه مردها نیست یا در میان نامزد‌های رشته‌هایی مثل کارگردانی، در اسکار، کمتر ممکن است به نام یک خانم بر بخوریم یا فقط یک کارگردان زن، برنده اسکار شده است یا تعداد نقش برای قهرمانان زن کشن در سال اصلا با فراوانی این نقش‌ها برای بازیگرانی مثل لیام نیسن، دنزل واشنگتن، جیسن استیم یا بروس ویلیس برابری نمی‌کند.
بالین‌حال وقتی به نفوذ و برد و تأثیر فیلم‌های بر محور اقتدار زنانه توجه کنیم، متوجه می‌شویم که نه‌فقط در یک مقایسه تاریخی با وضعیتی که در دهه‌های گذشته برقرار بود، بلکه در مقایسه با آثار معاصری که می‌توان آنها را مردانه خواند یا آثاری که سهم کمابیش برابری به دو جنس می‌دهند، عمق نفوذ و کیفیت تأثیر آثار زن‌محور به‌مراتب بیشتر است.



گیتی صفرزاده

اگر زمانی متوجه شوید که همسران به شما خیانت می‌کنند، چه عکس‌العملی نشان می‌دهید؟ یا هیچ حرفی او را ترک می‌کنید یا نه؟ هرچه به ذهنتان می‌آید، منتشرش می‌کنید و پشت‌بندش، چندبرخورد فیزیکی مختصر هم انجام می‌دهید؟ قهر می‌کنید؟ حرف می‌زنید؟ یا… هرگزینه دیگری که پیشنهاد کنید، باز احتمالا آخرین چیزی که ممکن است بگویید، این است که می‌نشینید و این کتاب می‌نویسید. درست است، در زندگی‌های عادی کسی با کتاب‌نوشتن و شخصیت همسرش عکس‌العمل نشان نمی‌دهد، اما در دنیای سیاست اتفاقا، این عکس‌العمل مناسب و بجایی است. نمونه‌اش خانم والری تریویلر، بانوی اول کشور فرانسه که سال گذشته کتاب «برای این لحظه متشکرم» را بعد از افشای خیانت همسرش یعنی فرانسوا اولاند نوشت و علاوه‌بر اینکه فوایدی مادی و معنوی نصیبش کرد، باعث کاهش میزان محبوبیت رئیس‌جمهور فرانسه شد.

زنان سیاسی عکس‌العمل‌هایشان را متناسب با موقعیت‌ها و شرایط سیاسی تنظیم می‌کنند و استفاده مناسب را می‌برند. حالا معلوم نیست این دنیای سیاست است که باعث رفتارها و عکس‌العمل‌های خاص در مورد این زنان شده یا پیچیدگی‌های رفتار و شخصیت زنانه که در عرصه سیاست، فرصت‌های مناسبی را در اختیارشان گذاشته.

یکی دیگر از این نمونه‌ها، خانم هیلاری کلinton است که ماجرای خیانت همسرش بیل کلinton در زمانی که رئیس‌جمهور آمریکا بود، سروصدای زیادی به‌پا کرد. هیلاری گرچه اولش خیلی عصبانی بود و به گفته خدمه کاخ سفید، اشیای مناسبی هم به سمت بیل پرت

با نگاهی سرسری به آثار سینمایی و تلویزیونی سالیان اخیر به نمونه‌های متعددی از بروز آنچه می‌توان عنوانی مثل «اقتدار زنانه» برایش در نظر گرفت، برمی‌خوریم. شاید مشخص‌ترین نمونه‌ها، آثاری باشند که بازیگرانی مثل مریل استرپ یا سگورنی ویور در آنها بازی کرده‌اند، مثل همین «بانوی آه‌نین» که نامش قبلا آمد یا «شیطان براد می‌پوشد» یا «جولی و جولیا»ی خانم استرپ یا «آواتار» و مجموعه فیلم‌های «بیگانه» سگورنی ویور، شکل دیگر این اقتدار را در سریال‌های تلویزیونی سال‌های اخیر مثل «خانه پوشالی»، «مپهن» یا «۲۴» می‌توان دید؛ جایی که خانم‌ها در مقام شخصیت نفوذ یک دولت، رئیس‌جمهور یا رئیس سازمان اطلاعاتی ظاهر می‌شوند. این گرایش حتی یکی از مردسالارترین فرانسیزهای سینمایی، مجموعه فیلم‌های «جیمز باند»، را نیز تحت‌تأثیر قرار داده که در فیلم‌های اخیرش خانم جودی دنچ را در جایگاه مقام بالادست مأمور ۰۰۷ نشانده است. دادن چنین نقش‌هایی به بانوان البته واکنشی طبیعی به رخداد‌های سال‌های اخیر در عالم سیاست و افزایش تعداد خانم‌هایی است که به بالاترین سطوح دولتی و سمت‌هایی مانند صدراعظم، رئیس مجلس یا رئیس‌جمهور کشورهای مختلف اروپایی، آمریکایی، آفریقایی و آسیایی دست یافته‌اند. فیلم‌هایی مانند «اویتا» ساخته آلن پارکر، «بانوی آه‌نین» فیلیدا لوید و «بانو» ساخته لوک بسون که به شخصیت‌های واقعی دنیای سیاست پرداخته‌اند و عنوان‌شان نیز بازتاب‌دهنده همین قدرت زنانه است، در چنین رده‌ای قرار می‌گیرند.

اما اقتدار زنانه در سینما و ادبیات معاصر جهان بیش از همه در دو حوزه ژانری مجال بروز پیدا کرده است: فانتزی و علمی-تخیلی.
فانتزی، قصه‌های پریان و انیمیشن
قصه‌های «بازنگری‌شده»ای که در سال‌های اخیر روانه پرده سینما شده‌اند، اغلب وقتی موفق از کار درآمده‌اند که جوجه قدرتمند زنانه شخصیت‌ها را پررنگ‌تر کرده‌اند. از معدود نمونه‌های ناموفق این حوزه می‌توان «هنسل و گرتل: شکارچیان جادوگران» محصول ۲۰۱۳ اشاره کرد که «بازنگری» را به معنی افزودن هرچه‌بیشتر خشونت به داستان گرفت و هیچ نتیجه‌ای جز بیازاری و بی‌علاقگی اغلب تماشاگران به دست نیاورد. در مقابل، تعداد قابل‌توجهی از این قبیل آثار در سال‌های اخیر توانسته‌اند با افزودن لایه‌هایی تازه و مخصوصا تقویت وجوه زنانه شخصیت‌هایی که یکی، دو قرن پیش امثال برادران گریم یا لوییس کارول آفریده بودند، نبض تماشاگران عادی و نخبه را به یکسان در دست بگیرند. کرستین استوارت در «سفیدبرفی و شکارچی»، شخصیت سفیدبرفی را از قالب منفعل متعارفش بیرون آورد و زره جنگ‌جو بر تنش کرد. شخصیت مؤنث منفی مخالف او با بازی چارلیز ترون نیز در مقابل او تقویت شد.
انجلینا جولی در «شیطان‌صفت» به زیر پوست شخصیت منفی داستان «زنیای خفته» رفت و یک آنتاگونیست کلیشه‌ای



داستان‌های قدیمی را عملا به پروتاگونیستی مدرن بدل کرد. تیم برتون در فیلم «آلیس در سرزمین عجایب» به قهرمانش آلیس، با بازی میا واسیکوفسکا، نوعی خودآگاهی فمینیستی بخشید که با داستان منیع اقتباس آن کاملا متفاوت بود. انیمیشن‌های استودیو دیزنی در دو دهه اخیر به‌سوی بال‌وپردادن هرچه‌بیشتر به شخصیت‌های مؤنث حرکت کرده‌اند. نگاه مردسالار انیمیشن‌های اولیه شرکت والت دیزنی در آثاری مانند «سپندرلا»، «سفیدبرفی و هفت کوتوله» و«زنیای خفته» قرن‌بسیستی در نقطه عطف ورود به قرن بیست‌ویکم تغییر کرد و قهرمانان مؤنث انیمیشن‌های «پوکاهانتس»، «دیو و دلبر»، «مولان»، «لاور» و «بیخ‌زده» با قدرت تمام در گیشه تاختند. دیزنی این روز‌ها تولید انیمیشن «مونا» را با دختر قهرمان مقتدر دیگری، این‌بار از منطقه اقیانوسیه و پولینزی که بازسازی زنده «دیو و دلبر» است، به جریان انداخته است. بازسازی زنده «مولان» را نیز در برنامه دارد.

ترکیب کادر تولید فیلم‌های انیمیشن، فانتزی و ابرقهرمانی نیز در حال تغییر است. علاوه بر میدان پیداکردن بیشتر شخصیت‌های مؤنث در آثار انیمیشن و فیلم‌های کامیک‌بوکی مانند «انتقام‌جویان»، اولین زنان سازنده این آثار نیز به می‌میدان می‌گذارند. نخستین کارگردان زن انیمیشن‌های دیزنی دو سال پیش، برندا چپمن بود که بعد از سال‌ها فیلم‌نامه‌نوشتن، با کارگردانی «دلاور» پا به عرصه گذاشت. این‌روز‌ها خبر می‌رسد که استودیو مارول تحت پوشش شرکت دیزنی برای کارگردانی «کاپیتان مارول» از انجلینا جولی به‌عنوان اولین زن کارگردان آثار ابرقهرمانی این شرکت دعوت به عمل آورده و دو بانوی فیلم‌نامه‌نویس طراز اول هالیوود را مأمور نگارش فیلم‌نامه «کاپیتان مارول» کرده است.

کمی دورتر از قلمرو دیزنی و مارول، یک اثر فانتزی/کمدی/ترسناک مردانه دهه هشتادی نیز قرار است به انثری زنانه در قرن بیست‌ویکم تبدیل شود. جای قهرمانان نسخه قبلی فیلم «شکارچیان شیخ» را که (به‌استثنای شخصیتی خارج از گروه با بازی سگورنی ویور) همه مرد بودند، در بازسازی این فیلم، گروهی از بازیگران زن خواهند گرفت.

اکشن علمی-تخیلی

شخصیت‌های مثبت و منفی مؤنث، محور موفق‌ترین آثار اکشن علمی-تخیلی سینما و ادبیات این دهه هستند. انکار نویسندگان و فیلم‌سازان این ژانر با بدبینی به آینده‌ای چشم دوخته‌اند که هم قدرت حاکم و هم قطب مخالف برهم‌زننده نظم مستقر را



زنان اداره می‌کنند. «ناهمخوان» و دنباله آن با عنوان «شورشی» در جامعه‌ای فرقه‌بندی‌شده می‌گذرند که یک زن از فرقه دانش، با بازی کیت وینسلت، عملا در آن قدرت را قبضه کرده است و شابلین وودلی در نقش دختری ظاهرا از فرقه شجاعت اما درواقع ناهمخوان با همه فرقه‌ها و برخوردار از شخصیتی میان‌فرقه‌ای جلو او می‌ایستد. در مجموعه فیلم‌های موفق «عطش مبارزه»، قطب منفی نظم مستقر بیشتر در سیطره مردان است که پیرومردی به‌نام رئیس‌جمهور اسنو، با بازی دانیال ساترلند آن را اداره می‌کند و شخصیت اصلی داستان که کتینس اوردین نام دارد و جنیفر لارنس ایفاگر نقش اوست، نظم ظالمانه آن را بر هم می‌ریزد. در این قطب‌بندی البته جنیفر لارنس تنها نیست و زهر نیروی مقاومت که او نیز زن است و جولین مور نقش او را برعهده دارد، با او همراه می‌شود. یکی از آثار موفق در ادبیات این ژانر و ناموفق در سینما با عنوان «بخشنده»، این قطب‌بندی را کاملا معکوس می‌کند.

در فیلم «بخشنده» نظم گورستانی جامعه استبدادی را زنی با بازی مریل استرپ برقرار می‌کند و یک پسر جوان و پیرمردی که نقش او را جف بریجز برعهده دارد، و قطب مخالف قرار می‌گیرند. «لوسی»، ساخته لوک بسون به‌عنوان پر فروش‌ترین فیلم اروپایی سال ۲۰۱۴ نیز کمابیش در این دسته آثار قرار می‌گیرد، گرچه اثری خوش‌بینانه‌تر است و قهرمان زن آن با نقش آفرینی اسکارلت جوהانسن کاملا تصادفی و نه به‌اتکای شخصیت برتر خود، به قدرتی فرابرشی دست می‌یابد. این‌همه تغییر رویکرد در سینما و تلویزیون در مدتی کوتاه‌تر از دو دهه، تا حدی ناشی از اجباری است که بازاربایان صنعت سرگرمی آن را با تمام وجود احساس کرده‌اند. به‌رحال، قدرت مالی لاقول نیمی از جمعیت یک بازار را نمی‌توان دست‌کم گرفت. اما جنبه‌ای دیگر و لایه‌ای عمیق‌تر نیز وجود دارد.

در صحنه‌ای از فیلم «بانوی آه‌نین»، موقعی که دنیس تاجر، شوهر آینده نخست‌وزیر آینده انگلستان از او خواستگاری می‌کند، می‌شود که «می‌دونی دنیس، من هم از تو خوشم می‌آد. ولی من از اون زونهایی نیستم که بتونم بی‌سروصدا گوشه آشپزخونه ظرف بشورم». دنیس می‌گوید: «من توی این‌ کار کمکت می‌کنم…» مارگارت جواب می‌دهد: «نه، مسئله زندگی، فراتر از همه این یختن و شستن و بچه‌ها، زندگی آدمه که اهمیت داره. من نمی‌تونم موقع شستن فنجون‌ها بشورم. جدی می‌گم، دنیس. باید درک کنی». و دنیس پاسخ می‌دهد: «دقیقا به همین خاطره که می‌خوام باهات ازدواج کنم، عزیزم!»

صدای تو خوب است!

خودش را مطرح کند. سیاست‌مداران زن از پیچیدگی‌های فراوانی برخوردارند. مثلا خانم ایندیرا گاندی که شرح‌حال‌نویسان به شیطنت‌ها و زن‌بارگی‌های همسرش فیروز گاندی- اشاره می‌کنند، سعی کرد کاملا شوهرش را نادیده بگیرد و همه زندگی‌اش را وقف مسائل سیاسی کند، تا جایی که نخست‌وزیر هندوستان شد. بعد از آن‌هم سرمایه‌گذاری سیاسی‌اش را روی پسرانش انجام داد که گرچه سرنوشت خیلی خوبی نداشتند، اما به‌نظر می‌آید درحال‌حاضر نوه‌اش از محبوبیت خوبی در بین هندی‌ها برخوردار است.

بعضی از زنان سیاست‌مدار هم برعکس، موضع خیلی سفت‌وسختی درباره مسائل زندگی خصوصی‌شان دارند، مثل آنکلا مرکل، صدراعظم آلمان که گرچه خیلی‌ها مشتاق شنیدن مسائل زندگی خصوصی‌اش و علت عدم تمایلش به بچه‌دارشدن هستند، اما تا‌به‌حال لب از لب باز نکرده و به هیچ خبرنگار و زندگینامه‌نویسی هم اجازه ورود به این عرصه را نداده است. شاید همین موضوع توانسته شخصیت سیاسی او را مرمو‌ز‌تر و عجیب‌تر به‌نظر بیاورد. اما پیچیدگی‌های رفتاری زنان سیاست‌مدار فقط مربوط به مسائل زندگی خصوصی‌شان و نحوه برخورد با آن نیست، مارگارت تاجر، ملقب به بانوی آه‌نی که سال‌ها نخست‌وزیر انگلستان بود، زمانی که وارد عرصه سیاست شد، یکی از اقداماتش کارکردن روی صدایش بود. او به این نتیجه رسیده بود که برای اینکه سخنرانی‌ها و صحبت‌هایش تأثیر مناسبی روی شنوندگانش داشته باشد، باید به تئ صدای مناسبی دست پیدا کند و البته با تمرین فراوان، موفق به این‌کار شده بود تا جایی که حتی نزدیکانش عقیده داشتند صدای تاجر در هنگام سخنرانی و در دنیای سیاست، صدای اصلی و واقعی خودش نیست.

ما که باور می‌کنیم خیلی از صداها در دنیای سیاست صدای اصلی خودشان نیست!

زاویه

نکته

زمانی برای غلبه‌بر الگوهای کلیشه‌ای

امیر محمدیان خراسانی

عده‌ای از فمینیست‌های لیبرال بر این باورند که واگذاردن حیطه خصوصی (خانه) به زن و گذاشتن مسئولیت نان‌آوری برعهده مرد، به ضرر هر دو جنس است. هم باعث تلف‌شدن استعدادهای زنان می‌شود و هم نمی‌گذار مردان از زندگی‌شان لذت کافی ببرند؛ این حرف درستی است. به‌ویژه آن‌رو که فقط نگاهی یک‌سویه ندارد و مردان را نیز قربانیان تقسیم‌کار کلیشه‌ای معرفی می‌کند. در تبلیغات و سریال‌های تلویزیونی و نیز برخی فیلم‌ها همچنان یک خانواده استاندارد به ما معرفی می‌شود که از الگوی خانواده هسته‌ای تبعیت می‌کند. مرد از سر کار برمی‌گردد، خرید کرده، زن به استقبال او می‌رود، اغلب دو کودک نیز در خانه همراه مادر هستند و به‌سمت پدر می‌روند. تکرار همان الگوی کلیشه‌ای رایج که دیگر گاه در واقعیت وجود ندارد و گاه مورد پسند بسیاری از جوانان و نسل امروز به‌ویژه زنان نیست. این محصولات به طرز استانداردشده‌ای زن طبقه متوسط را بازتاب می‌دهند (زن طبقه متوسط واقعی) که با معیارهای عینی طبقه متوسط ایران و مشکلات آن چندان انطباقی ندارد. گویی فقط طبقه مصرف‌کننده با درآمد متوسط روبه‌بالا و اغلب اوقات سفیدپوست با همسرانی جذاب و شاداب وجود دارند (گویی آنهایی که جذاب نیستند حق حیات و ازدواج ندارند) و دیگران نادیده گرفته می‌شوند. با اِگر در فیلم‌ها و سریال‌ها حالتی به نمایش در بیاید که از این حالت استاندارد فاصله دارد، به‌عنوان معضل، جالش، انحراف و غیره معرفی می‌شود. زنانی که شاغل هستند دارای انواع مشکلات خانوادگی معرفی شده و نیازهای اجتماعی آنها کتمان می‌شود. اغلب آنها در انتهای به‌خاطر خانواده نظر خود را تغییر می‌دهند و شرایط کاری‌شان را رها می‌کنند. از مزایای اشتغال زن در خانواده، برای خانواده، سختی به میان نمی‌آید. از معضلات آن نیز جز عدم هماهنگی میان وظایف خانه‌داری و مادری با وظایف کاری و عدم رضایت همسر، اغلب مورد دیگری گفته نمی‌شود. در فیلم‌ها وسریال‌ها به سرشت آسیب‌پذیر زن بسیار توجه شده و او را قربانی نشان می‌دهند. این مسئله دو وجه پنهان دارد:

۱. مسائل و مشکلات روحی-روانی مرد‌ها و احساس تنهایی شدید آنها کتمان شده یا نادیده گرفته می‌شود و صدای مرد‌ها در این باب، به‌خاطر آنچه در عرف، مردانگی خوانده می‌شود، خاموش شده و آنها را تبدیل به آتش زیر خاکستر می‌کند. همچنین آنها به‌عنوان متعدی و ظالم به جنس مخالف، معرفی می‌شوند. ۲. گفت‌مان‌های سیاسی، از مظلوم‌جولوه‌دادن و قربانی‌نشان‌دادن زن بهره می‌برند که خود این امر به دو صورت اتفاق می‌افتد: الف. با پنهان‌کردن مسائل اصلی و نابرابری و بی‌عدالتی‌های انسانی و دام‌نزدن به تفرقه و جدایی و خصومت میان دو جنس. ب. با سرگرم‌کردن زنان، به‌عنوان منبع الهام و انرژی اصلی جامعه، به‌سمت این موضوعات و نگه‌داشت الگوی آشکار و پنهان ساختار سیاسی-اجتماعی (مردان تحمل می‌کنند، زن‌ها اعتراض، هیچ‌کس عمل نمی‌کند).

زنان همچنان مستقل جلوه داده نمی‌شوند و اگر این‌طور باشد، اغلب به‌گونه‌ای است که از این استقلال در رنج هستند یا به کژراهه رفته‌اند. زنانی که ازدواج نکرده‌اند، حس ترحم شما را برمی‌انگیزند، گویی به هدف زندگی‌شان دست نیافته‌اند. آنهایی که فرزند ندارند نیز باعث برانگیخته‌شدن احساسات شما می‌شوند. در محصولات ایرانی خانه‌دار و معلم و در محصولات خارجی مدیر و شاعِل، نمونه برجسته الگوی تبلیغ‌شونده‌ای است که به شما می‌گوید این سبک زندگی زنانه درست و رایج است.

گزارش

۲ رفتار متفاوت

مریل استرپ این‌روزها تصمیم گرفته نقش خود را به‌عنوان زنی مدافع حقوق زنان و وضعیت‌کار آنها ایفا کند. در آخر هفته‌ای که گذشت، جشنواره تریبیکا فعالیت‌هایش برای گسترش فعالیت زنان فیلم‌نامه‌نویس را دنبال کرده است. این حرکت را می‌توان در ادامه سخنان پاتریشیا آرکت در مراسم اسکار دانست. مریل استرپ نامه سرگشاده‌ای هم به آنکلا مرکل و رئیس اتحادیه آفریقا نوشته که کسانی همچون شریل سندبرگ، بیانسه و ر‌زاموند پایک آن را امضا کرده‌اند. او در این کمپینی که راه انداخته توجه ویژه‌اش به زنان فیلم‌نامه‌نویس است، در تحقیقی که چندی پیش انجام شد نشان داد تعداد فعالان



زن در زمینه فیلم‌نامه‌نویسی از ۱۷ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۱۵ درصد در سال ۲۰۱۴ کاهش یافته است و درعین‌حال، این زنان حقوقی کمتر از همتایان مرد دریافت می‌کنند. پاتریشیا آرکت بازیگر («سربچگی» تنها برنده اسکار این فیلم بود، اما آنچه خاطره او را در اسکار ۲۰۱۵ ماندگار کرد، سخنانی بود که درباره حقوق زنان گفت: «ما برای حقوق برابر هرکس دیگری مبارزه کرده‌ایم. حالا وقت آن رسیده که ما زنان آمریکایی یک‌بار برای همیشه دریافتی و حقوق برابر داشته باشیم». این سخنان باعث شد تا چهره‌هایی مثل مریل استرپ و جنیفر لوپز او را ایستاده تشویق کنند. برابری یعنی برابری و حقیقت این است که زنان مسن کمتر از بولی که مستحقش هستند، دریافت می‌کنند و فقیرترین کودکان آنهایی هستند که در خانه زنان سرپرست خانوار زندگی می‌کنند. این سخنان در مراسم اسکاری مطرح شد که همگان آن را فرصتی برای زیبایی و شکوه دنیای سینما می‌دانند؛ دنیایی که رویاها را تصویر می‌کند. اما این‌ تنها اعتراض این روز‌های دنیای مدوسینما نیست، کیت بلانشت، بازیگر استرالیایی به‌گونه‌ای دیگر تفرق خود را برای مصاحبه‌هایی با تمرکز بر مدولباس با ستارگان زن در مراسم‌های فرش ابرز کرده است. او گفته بیشتر گفت‌وگوها بر لباس به جای اجرا متمرکز است. جالب‌تر اینکه هم‌زمان با فصل جوایز در آمریکا- ماه ژانویه- یک پروژه جدید در آمریکا با راه‌اندازی فصلی شروع به‌کار کرده تا با استفاده از «هشتک از او بازم بپرس» در خصوص جوایز جدید، یادآور شود بر چنین سؤال‌هایی خیلی تأکید شده و باید سؤال‌های بهتری از بازیگران پرسیده شود. این پروژه در نظر داشت تا تمایل‌داشتن خبرنگاران فرش قرمز را برای فراتررفتن از سطح لباس‌ومد در سؤال‌هایی که از بازیگران زن می‌پرسد، مطرح کند.

اما این‌روزها زنان بازیگر از منظری دیگر هم زیرنظر هستند. آیشورایا رای باچان در یک آگهی بازرگانی برای جواهرساز تبلیغ می‌کند. کششگران هندی این آگهی را نژادپرستانه و کودک‌آزارانه یافته‌اند. یکی از دلایل آنان به‌نحوه حضور کودک در این تبلیغ برمی‌گردد. فعالان مدنی نامه سرگشاده‌ای به او نوشت و به این ماجرا اعتراض کرده‌اند. محتوای نامه، نوع نگارش و رویکرد انتقادی‌اش جالب‌توجه بود. کششگران هندی جزء فعال‌ترین گروه‌های جهان هستند. جدی‌شی ماجرای حضور نیکول کیدمن در تبلیغ شرکت هوایی به‌شدت مورد اعتراض انجمن میهمان‌داران قرار گرفت. انجمن جهانی میهمان‌داران معتقد بودند این شرکت به حقوق زنان کارمند خود احترام نمی‌گذارد و تبعیض‌های جنسیتی در آن رواج دارد به گونه‌ای که وقتی میهمان‌داران باردار می‌شوند، از کار برکنار یا به عنوان کارمند دفتری ادامه فعالیت می‌دهند. اما این شرکت سعی کرد از خود دفاع کند و حتی دعوت کرد با هزینه خود شرکت، افرادی بتوانند از آن بازدید و با میهمان‌دارانی که این تجربه را با موفقیت پشت‌سر گذاشته بودند، دیدار کنند. اما در کمال تعجب این‌روزها زنان چینی فعالیت‌هایی را برای از بین‌رفتن تبعیض‌های جنسیتی آغاز کرده‌اند. آنان از اعتراض‌های ابتدایی آغاز کرده‌اند؛ یعنی کمبود تعداد دستشویی‌های زنانه در سطح شهر و به‌طور دسته‌جمعی وارد دستشویی‌های عمومی مردانه می‌شوند. همچنین چندی پیش آنان با لباس عروس‌های خونین در بخشی از خیابان‌ها حرکت کردند تا یادآوری کنند قوانین تبعیض‌آمیز را باید تغییر داد.

ادامه از صفحه ۹

افتتاح اولین کلینیک طب سالمندان کشور

با توجه به موارد ذکرشده درمی‌یابیم پزشکی سالمندان یکی از تخصص‌های مهم در کشورهای پیشرفته است. خوشبختانه در سال‌های اخیر در کشور ما هم به این موضوع توجه کردند و اهمیت آن را دریافتند. از جمله دستاوردهای کشور ما در حوزه طب سالمندان می‌توان به تربیت رزیدنت یا دستیار تخصصی در این رشته اشاره کرد. هم‌اکنون دانشگاه علوم‌پزشکی تهران آموزش این رشته فعال است و یک‌سال‌ونیم آینده اولین گروه از این دوره فارغ‌التحصیل می‌شوند. علاوه بر این برای اولین‌بار در کشور، کلینیک طب سالمندان در بیمارستان شریعتی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تهران تا یک ماه آینده افتتاح می‌شود و سالمندان عزیز می‌توانند برای دریافت خدمات پزشکی و درمانی مراجعه کنند. علاوه بر اینها قرار است در آینده بیمارستان‌های دوستدار سالمندان در سطح کشور افتتاح شود. در این بیمارستان‌ها بخش‌های ویژه سالمندان افتتاح خواهد شد. در این‌گونه بیمارستان‌ها، پس از درمان عوارض سکنه و پیش از آنکه بیمار از بیمارستان مرخص شود، به بخش سالمندان منتقل و در آنجا خدمات توان‌بخشی ویژه‌ای به وی ارائه می‌شود؛ زیرا در بسیاری از موارد، زمانی که بیمار مرخص شد، پس از مدتی با عفونت‌های مکرر، دوبار برمی‌گردد.

❖ **چف‌رزیدنت (دستیار ارشد) طب سالمندی**
دانشگاه علوم‌پزشکی تهران